

تجارت خارجی در ایران از قرن سوم تا آخر قرن پنجم هجری قمری

محسن اقبالی^۱ / سید علاالدین شاهرخی^۲ / مجتبی گراوند^۳

چکیده

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که طی قرون سوم تا پنجم ق حکومت‌های سامانی، غزنوی و آل بویه چه تأثیری بر تجارت خارجی سرزمین‌های تحت سلطه خود نهادند؟ روش گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی-کتابخانه‌ای و شیوه نگارش پژوهش تحلیلی است. نتایج پژوهش به شرح زیر است: با تشکیل دولت‌هایی همچون سامانیان، غزنویان و آل بویه از اواخر قرن سوم ه. ق و تثبیت نسبی اوضاع سیاسی، امنیت نسبی نیز برقرار گردید از اینرو زمینه رشد موقعیت اقتصادی شهرها از جمله بازارها، صنایع و بویژه دادوستد فراهم شد. حجم عظیم سکه‌های نقره سامانی یافت شده در اروپا (در نتیجه واردات برده و کالا از اروپای شرقی) نمایانگر خروج میزان زیادی نقدینگی از قلمرو سامانی است که بیانگر تراز بازرگانی منفی و کاهش توان اقتصادی می‌باشد. این درحالی است که دوره غزنوی شاهد افزایش نقدینگی از طریق ورود مقادیر عظیمی از ذخایر طلا و نقره بود که در ضرب مسکوکات و تسهیل تجارت مؤثر بود. در غرب، آل بویه برخلاف دو حکومت پیش گفته در پی تقویت صنعت منسوجات، افزایش تجارت آن‌ها را موجب شد. در نهایت الگوی مشابهی از این سه حکومت مشاهده می‌شود: اقداماتی همچون ضرب سکه با عیار بالا، حفظ عیار مسکوکات، برقراری امنیت در راه‌ها از طریق سرکوب راهزنان، نصب علائم راهنمایی در بیابان‌ها، ساخت کاروانسرا، پل روی رودخانه‌ها، رباط و چاه در مسیر راه‌ها توسط حکومت‌ها انجام شدند که بر رشد و گسترش تجارت داخلی و خارجی مؤثر بودند.

کلمات کلیدی: ایران، تجارت خارجی، قرن سوم، نقدینگی، تراز بازرگانی

Abstract

Iran's external trade from the 3rd to 5th centuries of AH

The topic of the current research is, what effect did the Samanid, Ghaznavid, and Buyids symmetrical governments have on the trade of the territories under their control. The method of collecting information is the documentary-library method and the method of writing is explanatory. The results are as following: With the formation of governments such as the Samanids, Ghaznavids and Al-Buyeh from the end of the third century of Hijri and the relative stabilization of the political situation, as a result relative security was also established, therefore the ground for the growth of the economic position of the cities including markets, industries and especially trade was provided. The huge volume of Samanid silver coins found in Europe (which was for the import of slaves and other trade items from east of Europe) indicates the departure of a large amount of liquidity from the Samanid territory shows unfavorable balance of trade. This is while the Ghaznavid period witnessed increasing of liquidity because arrival of huge amounts of gold and silver reserves, which was very effective in facilitating trade and mint. In the west of Al-Buyeh, unlike the previous two governments, the textile industry was strengthened, which led to an increase in their trade. Finally, a similar pattern can be observed from these three governments, measures such as minting high-quality coins, maintaining the quality of muskets, establishing security on the roads by suppressing bandits, creating guide signs in the deserts, building caravanserais, bridges over rivers, Rabat and Wells along the roads have been done by the government increased and improved internal and external trade.

1. دانشجوی دکتری تاریخ بعد از اسلام دانشگاه لرستان. این مقاله بر گرفته از رساله‌ی دکتری محسن اقبالی با عنوان "بررسی تجارت و راه‌های تجاری در ایران از قرن سوم تا ششم هجری" است.

2. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

3. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

. **Keywords:** Iran, External Trade, Third century, Liquidity, balance of trade

مقدمه

از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم ق وضعیت اقتصادی ایران و به ویژه تجارت داخلی و خارجی آن متاثر از سلسله های حکومتی حاکم بر قسمتهای مختلف ایران که هر کدام بر بخش خاصی از جغرافیای ایران از شرق و شمال شرقی تا جنوب، مرکز و جنوب غربی ایران تسلط داشتند، از رشد و رونق برخوردار بود. این حکومت های ایرانی و ترک پس از طی دوره استقرار حاکمیت خود شرایطی از ثبات نسبی را ایجاد کردند که در رونق اقتصادی منطقه تحت نفوذ آنها مؤثر بود. اما تراز اقتصادی امری بود که بر سرنوشت هر کدام از این حکومت ها تاثیر متفاوتی گذاشت. با توجه به گستردگی قلمرو خلافت عباسی که در غرب تا آفریقا و اسپانیا وسعت داشت تجارت داخلی و خارجی و یا به بیان آن زمان تجارت معامله و مسافره روبه رشد و شکوفایی بود. چراکه قرار گرفتن سرزمین های مختلف از فرارود در شرق و تا بخش هایی از آفریقا و اسپانیا در غرب تحت حاکمیت خلافت عباسی موجبات تسهیل تجارت را فراهم ساخت و خود یکی از بازارهای مهم مصر بود که تقاضا برای کالا در آنجا بسیار بود. موقعیت جغرافیایی ایران که در میانه این قلمرو گسترده قرار گرفته بود به همراه ظهور حکومت های مختلف که در دوران اوج خود امنیت حمایتی از مناطق تحت سیطره را فراهم می کردند دوره هایی از رشد اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی را در پی داشت. این پژوهش بر آن است تا تاثیر سه حکومت متقارن سامانی، غزنوی در شرق و بویه میان در غرب بر تجارت خارجی قلمرو آنها را بررسی کند. بر این اساس سوالات پژوهش عبارتند از: در فاصله قرن سوم تا اواخر قرن پنجم ق سلسله های حاکم بر ایران چه تاثیری بر رشد یا رکود تجارت خارجی داشتند؟ صادرات و واردات چه کالاهایی رونق بیشتری داشت؟ سیاست های اعمال شده حاکمان چه تاثیری بر تراز بازرگانی نهاد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که از قرن سوم تا اواخر قرن پنجم، سیاست های اجتماعی-اقتصادی سلسله های سامانی، غزنوی و آل بویه منجر به رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی قلمرو تحت سلطه آنها شده است.

در زمینه اقتصاد و تجارت دوره های مختلف و نیز شرایط حاکم بر دوره های مورد مطالعه تحقیقاتی انجام شده است که به اختصار به آنها اشاره می شود. پرگاری^۴ (۱۳۸۰)، عوامل تکوین ساختار اقتدار در حکومت سامانیان را بررسی کرده و به این نتایج دست یافته: در بررسی زمینه های اجتماعی پیدایش حکومت سامانیان، دهقانان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری حکومت سامانی چهره می نمایند. پس از سقوط طاهریان دهقانان برای حفظ موقعیت خود و یافتن مقام و منزلتی برتر به تکاپو افتادند و پس از به حکومت نشاندن خاندان سامانی در ارکان ساختار حکومتی آنان راه یافتند. پرگاری^۵ (۱۳۸۲)، همچنین در پژوهشی دیگر به فروپاشی ساختار قدرت غزنویان پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده که سلطان محمود غزنوی توانست با کسب پیروزی های افتخار آمیز نظامی و برخورداری از غنائم سرشار مناطق مفتوحه، حکومت نظامی خودکامه غزنویان را به اوج برساند. سلطان مسعود، جانشین او، به علت اتخاذ سیاست مخاصمه آمیز با نخبگان قدرتمند زمان پدرش و همچنین اتخاذ تصمیمات نابخردانه که با خوی و رفتار زشتی نیز همراه گشته بود، موجبات فروپاشی غزنویان را فراهم آورد. وثوقی مطلق^۶ (۱۳۸۶)، در پژوهشی روابط آل بویه و مصر را بررسی کرده. به نوشته وی روابط آل بویه با مصر، از زمان تثبیت سلطه فاطمیان بر مصر شروع شد. با وجود اشتراکات مذهبی،

^۴ صالح پرگاری، پاره ای از عوامل تکوین ساختار اقتدار در حکومت سامانیان، پژوهشنامه علوم انسانی، سال ۱۳۸۰، شماره ۳۲، ص ۱۴۳-۱۲۹.

^۵ صالح پرگاری، فروپاشی ساختار قدرت غزنویان، علوم انسانی الزهر، سال ۱۳۸۲، شماره ۱۳، ص ۴۶-۴۳.

^۶ رجعبلی وثوقی مطلق، روابط آل بویه و مصر، پژوهش نامه تاریخ، سال ۱۳۸۶، دوره ۳، شماره ۸، ص ۱۴۶-۱۸۰.

انتظار می‌رفت دو دولت شیعی با یکدیگر تعامل و روابط دوستانه داشته باشند، اما منافع و مصالح سیاسی مانع تحقق این امر شد. علیرغم دشمنی سیاسی، در پاره‌ای موارد شواهدی از برقراری صلح و دوستی و تبادل نامه و سفیر وجود دارد. پناهنده شدن برخی از شاهزادگان آل بویه به مصر در گریز از رقبای خویش، سندی متقن بر این مدعا می‌باشد. نوع پسند و همکاران^۷ (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای، سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی را مورد بررسی قرار داده و به این نتایج دست یافته‌اند: نظام مالی و اقتصادی این دولت‌ها مبتنی بر اخذ مالیات‌های معمول بود که شامل خراج و مالیات‌های ویژه می‌شد؛ خراج یا مالیات بر زمین و محصولات کشاورزی مناطقی که ولایات آن تحت حکومت آنان بود و برای گردآوری، کارگزاران سلاطین با توده‌های مردم در ارتباط مستقیم بودند. افزون بر آن، این دولت‌ها از طریق دادوستد، کشاورزی، تجارت بین‌المللی به ویژه زمانی که بازرگانان برای خزانة تجارت می‌کردند، غارت‌ها، غنایم جنگی، در معرض فروش قرار دادن مناطق غارت شده و فروش اسرا منابع مالی خویش را تأمین می‌کردند. ایزدی و همکاران^۸ (۱۳۹۴)، به بررسی نقش بخارا در شکوفایی سامانیان پرداخته و به نتایج زیر دست یافتند: شهر بخارا پس از انتخاب به‌عنوان پایتخت سامانیان و با توجه به سیاست‌های فرهنگی و اجرایی آنان، رشد قابل توجهی یافت. سامانیان توانستند با تکیه بر جایگاه معنوی خلافت عباسی و ایجاد امنیت، ثبات و آرامش در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این شهر را به «قبه‌الاسلام» و مرکز دینی و مدنی در شرق جهان اسلام، تبدیل نمایند. خدادادی^۹ (۱۳۹۷)، در پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان پرداخته که نتایج این پژوهش به شرح زیر است: در ارتباط با شکوفایی سامانیان باید به سیاست‌ها و رهیافت‌هایی اشاره کرد که عامل مهم این شکوفایی بوده‌اند. سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های صنفی و قشر بندی اجتماعی، سیاست‌های عمرانی و معماری، سیاست‌های دینی و مذهبی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های علمی، سیاست‌های اجتماعی و سیاست‌های امنیتی و کشورداری سامانیان دلایل اصلی شکوفایی این تمدن بوده‌اند. پژوهش حاضر با تأکید بر سیاست‌های اعمال شده دو حکومت سامانی و غزنوی در شرق ایران از یک سو و آل بویه در غرب ایران از سوی دیگر در زمینه تجارت خارجی با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مناطق تحت سلطه آن‌ها به بررسی تأثیرات آن‌ها بر اقتصاد کلی قلمرو پرداخته و از نتایج تحقیقات جدید باستان‌شناسی بهره برده است. در نوشتار کنونی از منابع فارسی تاریخی و جغرافیایی و همچنین منابع خارجی جدید که عمده‌تاً نتایج حاصل از تحقیقات باستان‌شناسی هستند، استفاده شده است. بخش عمده این تحقیقات جدید مبتنی بر کشف مسکوکات دوران سامانی در اروپای شرقی و اسکاندیناوی است.

سامانیان

سرزمین‌های وسیع خراسان و فرارود در شمال شرق ایران تحت حکومت سامانیان با دو مرکز مهم بخارا و سمرقند ویژگی‌های لازم برای توسعه حکومت سامانیان را دارا بود. از جمله این ویژگی‌ها موقعیت جغرافیایی بود. قرار گرفتن در گذرگاه شرق به غرب و محل عبور کاروان‌های تجارتي از شرق دور به غرب به طور طبیعی فرصت تجارت و داد

^۷ سید محمد نوع پسند اصیل، هیرو عیسوی، سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۳۹۲، دوره ۲، شماره ۲۰، ص ۹۹-۱۲۵.

^۸ حسین ایزدی، سید محمدحسینی، بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۲، پیاپی ۶۲، (تابستان ۱۳۹۴)، ص ۱۱۵-۱۳۹.

^۹ عزت اله خدادادی، تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۲، (اسفند ۱۳۹۷)، ص ۱۹۴-۱۶۳.

وستد را در اختیار ساکنان فرارود قرار می‌داد. از این رو فرارود از دوره ساسانی دارای جامعه‌ای سوداگر بود.^{۱۰} سغدیان که ساکنان بومی دره زرافشان میان سیحون و جیحون بودند از دیرباز به تجارت معروف بودند و یافته‌های باستان‌شناسی اخیر نقش مهم آنان را در تجارت جاده ابریشم روشن ساخته است.^{۱۱} فرارود از سمت شرق به آسیای مرکزی متصل می‌شد که امتداد راه، آن را به چین منتهی می‌کرد. ترکان صحراگرد آسیای میانه با توجه به سبک زندگی چادرنشینی خود نیازمند کالاهای مردمان یکجانشین فرارود بودند که مهمترین این کالاها پوشاک بود که توسط یکجانشینان ایرانی تولید می‌شد. از سوی دیگر ساکنان ایرانی مناطق یکجانشین نیز نیازمند محصولات دامپروری آن‌ها همچون لبنیات، پشم و گوشت بودند از این رو مبادلات آن‌ها بر پایه دادوستد این محصولات بود.^{۱۲} بنابراین مبادلات پایاپای در این قسمت اساس روابط بازرگانی میان مردمان یکجانشین و صحرانورد بود. با توجه به شیوه معیشت مردم منطقه در دو سوی مرز که مبادلات کالا به کالا را ایجاب می‌کرد، موازنه تراز بازرگانی برقرار بود. به این ترتیب شیوه‌های تولیدی کشاورزی، دامداری، صنایع کارگاهی در این منطقه به خوبی در ارتباط و همبستگی با هم در مجموع ساختار اقتصادی عمل می‌کردند.

در غرب فرارود خوارزم قرار داشت که خود مرکز تجاری بود و آن را به بلغارها و خزرها متصل می‌کرد. این موقعیت جغرافیایی ترانزیتی موجب افزایش مسافران تاجر و غیر آن در آنجا شده بود و از این رو دارای رباط و مهمانخانه‌های بسیار بود که خود عاملی در رونق اقتصادی آن بود. به نوشته منابع تعداد مهمانخانه‌های فرارود بسیار زیاد بوده به طوری که اصطخری رقم ده هزار را بیان کرده است.^{۱۳} از سوی دیگر فرارود مقصد نهایی شاهراه خراسان بود که از سمت غرب تا بغداد امتداد یافته بود. ویژگی دیگر سرزمین فرارود حاصلخیزی آن بود چنانکه به گزارش منابع در آنجا قحطی به ندرت اتفاق می‌افتاد و معمولاً ذخیره غلات آن مانع از قحطی می‌شد.^{۱۴}

اساساً حکومت سامانیان در فرارود منشأ دفاعی داشت بدین معنی که استقرار آن‌ها در آنجا از زمان طاهریان برای دفاع از آن در برابر تاخت و تازهای ترکان مشرک بود.^{۱۵} در زمان اسماعیل سامانی (۲۷۹-۲۹۵ ق) به واسطه لشکرکشی‌های وی علیه ترکان صحرانورد آسیای میانه امنیت بخارا و سمرقند به طور کامل تأمین شده به گونه‌ای که اقدامی برای ساخت دیوار و برج و بارو گرد آن‌ها به عمل نیامد.^{۱۶}

آسیای میانه منبع ثروت امیران سامانی نیز بود به این ترتیب که تجارت برده از مهمترین اقلام تجاری تحت کنترل آن‌ها بود و حجم بسیار واردات برده به ویژه بردگان ترک تأثیرات خود را بر سرنوشت سیاسی حکومت سامانی و حتی خلافت عباسی نهاد. در واقع دوره حکومت امیران سامانی را می‌توان اوج تجارت برده تلقی کرد که نتایج اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پی داشت. به این ترتیب گسترش تجارت برده از طریق آسیای میانه را می‌توان وجه مشخصه حکومت سامانی دانست. افزایش تقاضا برای غلامان ترک از عوامل رشد این تجارت بود چرا که غلامان ترک به

^{۱۰} رن. فرای، «تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (کمبریج)»، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۸.

^{۱۱} Xinjiang Rong, sogdian merchants and sogdian culture on the silk road merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road, (2018), p185, <https://www.cambridge.org/core/terms>.

^{۱۲} و. بارتولد، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی، (تهران: توس، ۱۳۷۶)، ص ۸۶.

^{۱۳} ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۲۲۸.

^{۱۴} ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، چاپ دوم، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۱۹۴.

^{۱۵} ک. ا. باسورث، «طاهریان و صفاریان» تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کیمبریج، ج ۴، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱)، ص ۸۷.

^{۱۶} محمد بن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ترجمه محمد بن جعفر؛ مصحح: محمد تقی مدرس رضوی، (تهران: توس، ۱۳۶۳)، ص ۴۸.

عنوان نیروی نظامی مورد استفاده خلافت عباسی و حکومت‌های مختلف در سرزمین‌های اسلامی بودند. عوارض واردات برده از سرحدات فرارود سهم بزرگی از عواید حکومت سامانی را به خود اختصاص داده بود.^{۱۷} بنابراین تأثیر مهم حکومت سامانی بر تجارت طی قرون سوم و چهارم رشد و رونق واردات برده بود که اثرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیرپایی در ایران و خلافت عباسی به جا نهاد. تغییر توازن جمعیتی فرارود به نفع ترکان که با افزایش شمار آن‌ها همراه بود، از نتایج اجتماعی تجارت برده بود. همچنین از نظر سیاسی تأسیس حکومت ترک نژاد غزنوی که تغییر الگوی نژادی حکومتی پس از چند حکومت ایرانی در ایران بود، از دیگر نتایج گسترش تجارت برده در دوره سامانی است. افزایش تاجران که عده بسیاری از آن‌ها در تجارت برده فعال بودند و پیشی گرفتن آن‌ها بر دهقانان از نظر جایگاه اقتصادی-اجتماعی از دیگر نتایج آن است.^{۱۸} بنابراین می‌توان گفت تغییر در ساختار اقتصادی از طریق افزایش فعالان عرصه تجارت خارجی (عمدتاً تاجران برده) در دوره حکومت سامانی به نوبه خود موازنه بازرگانی را تحت تأثیر قرار داد که با افزایش واردات برده در قبال مسکوکات، کاهش میزان نقدینگی به عنوان پشتوانه مالی اقتصاد را در پی داشت. به عبارت دیگر پیشی گرفتن واردات بر صادرات که در این دوره عمدتاً واردات برده را شامل می‌شد، یعنی تراز منفی بازرگانی را موجب شد. در واقع تراز بازرگانی متأثر از تجارت خارجی است و بسته به میزان ارزش صادرات در مقابل واردات می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در بررسی تراز بازرگانی دوره سامانی روابط تجاری با سرزمین‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه سرزمین‌های مختلف از چین، آسیای میانه تا اروپای شرقی و شمالی شرکای تجاری مستقیم سامانی بودند در ادامه به این روابط و تأثیر آنها بر تراز بازرگانی پرداخته می‌شود.

پیشتر اشاره شد که سرشت سوداگری منطقه فرارود در دوره سامانی در نتیجه شرایط مساعد ایجاد شده به رونق تجارت خارجی در گستره وسیعی از آسیای مرکزی تا شمال شرقی اروپا در غرب و چین در شرق شد. راهی که از آسیای مرکزی تا اروپای شرقی امتداد می‌یافت مسیر خرنام داشت. در قرن چهارم که اوج رونق مسیر خرنام است، خرنام برده از اسکاندیناوی، روسیه و اروپای شرقی در مقابل نقره‌های سامانی با وایکینگ‌ها مبادله می‌شدند. در این دوره در مسیر عمده تجاری که از شرق در آسیای میانه تا غرب به سمت اروپای شرقی گسترش یافته بود، دولت سامانی به عنوان قدرتی سیاسی با توان مالی بالا که به ضرب حجم عظیمی از سکه‌های نقره با پشتوانه معادن بزرگ نقره، می‌پرداخت در واقع تسهیل و گسترش داد و ستد را از طریق تامین ارز مورد نیاز برای تجارت در مسیر خرنام با بلغارها، خزرها، روسها و اقوام اروپای شرقی که کالاهای خود را در مقابل مسکوکات عرضه می‌کردند، فراهم کرد. به این ترتیب مسکوکات نقره سامانی جذب اقتصاد این مناطق شدند. بنا به تحقیقات جدید سکه‌شناسی اهمیت واردات این مسکوکات که قرن‌ها در چرخه اقتصادی روسها و شمال اروپا جریان داشتند در تاریخ نخستین روس و عصر وایکینگ‌های اروپای شمالی انکار ناپذیر است.^{۱۹} در واقع مسیر یاد شده مهمترین طرفهای تجاری سامانیان را در بر می‌گرفت که کالاهای خود را در مقابل مسکوکات سامانی مبادله می‌کردند و از این طریق تراز بازرگانی را به نفع خود تغییر دادند که کاهش توان اقتصادی سامانیان را در پی داشت. در قرن چهارم وایکینگ‌ها نوارگسترده‌ای از اروپای شرقی و شمالی از اسکاندیناوی تا رود ولگا را اشغال کرده بودند. سکه‌های سامانی یافت شده در اروپا مورد استفاده وایکینگ‌ها به عنوان وجه رایج بودند چراکه خود فاقد معادن نقره برای ضرب سکه بودند. ذخایر بسیاری از سکه‌های نقره سامانی در

^{۱۷} ک.ا. باسورث، دوره اول غزنوی، تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کیمبریج، ج ۴، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، (تهران، امیرکبیر: ۱۳۸۱)، ص ۱۴۳.

^{۱۸} رن. فرای، سامانیان، تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کیمبریج، ج ۴، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، (تهران، امیرکبیر: ۱۳۸۱)، ص ۱۳۴.

^{۱۹} Roman Kovalev, Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century), Histoire & mesure XVII - 3/4 | (2002), p2

اسکاندیناوی و اروپای شرقی یافت شده‌اند. تعداد ۷۰۰ سکه سامانی در نروژ، ۵۰۰۰ در دانمارک، ۸۵۰۰۰ در سوئد و ۲۵۰۰۰۰ در روسیه در نواحی ولگا یافت شده‌اند.^{۲۰} در یک پژوهش میزان کل مسکوکات کشف شده سامانی در اروپا صد و بیست و پنج میلیون ۱۲۵۰۰۰۰۰ تخمین داده شده است که تمام آن در طی قرن چهارم به اروپا وارد شده است.^{۲۱} سامانیان با غفلت از سیاست گذاری صحیح در زمینه صادرات و واردات، بدون اینکه در پی افزایش صادرات محصولات کشاورزی و یا کالاهای ساخته شده همچون پارچه که به ویژه در خراسان تولید می شد، باشند به رشد روزافزون واردات که بیش از همه بردگان را شامل می شد، پرداختند که نتایج زیانباری در پی داشت. به عبارت دیگر طرف‌های عمده تجارت خارجی سامانیان که ممالک روس، بلغار، اسلاو و وایکینگ‌ها را در مرزهای غربی قلمرو آنها شامل می شد با مدیریت هوشمندانه صادرات کالاهای پرفرمدار خود در قبال مسکوکات سامانیان به عنوان ارز مهم مورد مبادله، ثروت و سرمایه را از قلمرو سامانیان به سمت سرزمین‌های خود هدایت کردند که در نتیجه آن طی یک قرن سامانیان پشتوانه مالی خود را در نتیجه تراز بازرگانی منفی از کف دادند. این در حالی بود که در روابط تجاری با دیگر شرکای تجاری از جمله چین نوعی موازنه بازرگانی برقرار بود و واردات و صادرات در حالت نوعی توازن بودند که در ادامه خواهد آمد.

با توجه به حجم عظیم سکه‌های نقره یافت شده، نتیجه دیگر این تراز تجاری منفی خروج نقدینگی از قلمرو سامانی است چراکه حکومت توجهی به تراز بازرگانی نداشت و برتری واردات بر صادرات در قبال مسکوکات اتفاق افتاد. این بدان معنی است که مسکوکات به عنوان پشتوانه مالی برای فعالیت‌های اقتصادی در قبال کالا (برده) از چرخه اقتصادی خارج شده که خود به معنی هدر رفت سرمایه از یک طرف و کاهش توان مالی ساختار اقتصادی قلمرو بود که سایر فعالیت‌های تولیدی سه بخش اصلی یعنی کشاورزی، دامداری و صنایع کارگاهی را نیز مختل می کند.

بررسی مسکوکات نقره کشف شده از غرب اوراسیا نشان می دهد این سکه‌ها که تاریخ ضرب آن‌ها قرن چهارم در سمرقند است، که دوره اوج تجارت وایکینگ‌هاست، عمدتاً برای تجارت با اروپای شمالی تولید شده‌اند. ضربخانه اصلی سامانیان سمرقند بود که عمدتاً در اواخر قرن سوم و به ویژه اوایل قرن چهارم تا اواخر قرن چهارم، که دوره تولید سکه نقره به میزان بسیار زیاد آن بوده است، یک رشد شارپی را در ضرب سکه نقره تجربه کرده است. این دوره اوج تجارت اروپای شمالی و آسیای میانه است که در اوایل قرن چهارم شروع شده بود. سقوط فاجعه بار ضرب سکه توسط سامانیان در نیمه دوم قرن چهارم نمایانگر افت عمومی اقتصاد سامانی پس از این دوره ضرب بی رویه سکه است.^{۲۲} با توجه به تعداد مسکوکات کشف شده که مجموع صد و بیست و پنج میلیون ۱۲۵۰۰۰۰۰ را در بر می گرفت و طی قرن چهارم از قلمرو سامانی به اروپای شمالی صادر شده بود، به طور متوسط هر سال ۱۲۵۰۰۰۰ (یک میلیون و دویست و پنجاه هزار) درهم خارج شده است.^{۲۳}

با توجه به گسترش روابط تجاری خارجی روند خروج نقدینگی و تراز منفی بازرگانی همچنان ادامه داشت. شرکای تجاری دیگر در این مسیر خزرها بودند و مراکز شهری عمده امپراتوری خزر همچون اتیل، سامباتا و تموتارخا به

²⁰Melanie Michailidis, Samanid silver and trade along the fur route, *Medieval Encounters* 18, (2012), p 315-338.

²¹ Roman Kovalev, Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century,) *Histoire & mesure* XVII - 3/4 (2002), p1

²² Ibid, p6.

²³ Roman Kovalev, Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century,) *Histoire & mesure* XVII - 3/4 | (2002), p1

قطب‌های عمده تجاری و مراکز تولید کالاهای صادراتی همچون پشم، عسل و سفال تبدیل شدند که از طریق تاجران ایرانی خوارزم و دیگران به سرزمین‌های ایران و خلافت عباسی صادر می‌شدند.^{۲۴} بنابراین بخش دیگری از نقدینگی از طریق یاد شده از قلمرو سامانی خارج می‌شد. ضرب سکه و حفظ عیار آن از دیگر اقدامات تسهیل‌کننده تجارت است که دولت سامانی ظرفیت بالایی برای آن داشت، هرچند بدون توجه به حفظ تراز بازرگانی موجب خروج مسکوکات و بر باد رفتن ثروت قلمرو شد. با توجه به مسکوکات کشف شده مذکور، بازده دولت سامانی در ضرب سکه به ویژه مسکوک نقره بسیار زیاد بوده است. در قلمرو تحت سلطه سامانیان، بیشترین تعداد سکه خانه‌های سامانی در شرق یعنی خراسان، فرارود، سیستان بودند که شهرهای زیادی از جمله سمرقند، بخارا و بسیاری شهرهای دیگر را در بر می‌گرفت.^{۲۵} وجود معادن بسیار «طلا، نقره، جیوه و آهن» در فرارود امکان ضرب مسکوکات با عیار بالا را برای سامانیان فراهم ساخته بود^{۲۶} و از این رو بود که با تولید بیش از حد سکه‌های نقره و صدور آن از طریق تجارت موجبات افت کلی اقتصاد را فراهم ساختند.

شرایط مساعد فراهم شده در حکومت سامانی رشد تجارت خصوصی را نیز در پی داشت که در مسیر جاده ابریشم به سمت شرق یعنی چین انجام می‌شد. در این مسیر سغدیان فعال بودند. این بازرگانان در طول این مسیر از چین تا ترکستان و ماوراءالنهر مهاجرنشین‌هایی برای خود تأسیس نموده بودند و از این رو محل تلاقی و متأثر از فرهنگ‌های مختلف شرق تا چین بودند و همین امر موجب شده بود تا سبک لباس پوشیدن زنان سغدی شبیه زنان چینی باشد.^{۲۷} اولین مرکز از قلمرو سامانیان که در مسیر ارتباطی «چین» قرار داشت، سمرقند بود و پس از آن بخارا قرار داشت. ابتدا سمرقند و سپس بخارا، دو مرکز بسیار مهم قلمرو سامانیان، محل تردد بسیاری از بازرگانان چینی بودند. نرشی در ذکر یکی از محله‌هایی که در جنوب غربی بخارا به نام بیکند (بیکند) قرار داشته، می‌نویسد: «اهل بیکند جمله بازرگانان بوده‌اند و بازرگانی چین و دریا کردند و بغایت توانگر بوده‌اند».^{۲۸} کالاهایی که از چین به قلمرو سامانیان وارد می‌شد عبارت بودند از: اجناس ابریشمی، ظرف‌های چینی، کاغذ، پشم، کافور، دارچین، توتیا، ریوند، دارپرینان، آینه، دکمه، زورق، فندک، چخماق، سوهان، سوزن، قیچی، فولاد و آلات چدنی، داروهای طبی. در مقابل، از ایران الماس، نقره، پارچه کرکی به چین صادر می‌شد. ناگفته نماند مهمترین مال التجاره‌ای که از ایران به چین صادر می‌شد اسب بود.^{۲۹} ظروف چینی به عنوان اشیای تجملی عمدتاً مورد تقاضای فرادستان بود. نکته قابل توجه در مورد روابط تجاری با چین آن است که برخلاف روابط تجاری با دیگر شرکا، چینیه‌ها تمایلی به مسکوکات نقره سامانی نداشتند.^{۳۰} از این رو روابط اقتصادی با چین نمی‌توانسته تأثیرات منفی بر موازنه بازرگانی از طریق جذب گسترده مسکوکات نهاده باشد.

²⁴Brian Gottesman, World History Encyclopedia
https://www.academia.edu/4810010/The_Empire_of_the_Khazars, (2011)

^{۲۵} ج. ک. مایلز، «سکه‌شناسی»: در: تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کیمبریج، ج ۴، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، (تهران، امیرکبیر: ۱۳۸۱)، ص ۳۲۶
^{۲۶} ابواسحق ابراهیم اصطخری مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۲۲۷.

²⁷ Rong Xinjiang, sogdian merchants and sogdian culture on the silk road merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road, (2018) <https://www.cambridge.org/core/terms>.

^{۲۸} محمد بن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ترجمه: محمد بن جعفر؛ مصحح: محمدتقی مدرس رضوی، (تهران: توس، ۱۳۶۳)، ص ۲۶.

^{۲۹} علی مظاهری، زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، (تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۸)، ص ۳۹۵.

³⁰ ریچارد. ن. فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، ج ۲، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۱۰۵-۱۰۶.

رشد تجارت دولتی و خصوصی که افزایش تاجران و البته خروج قابل توجه نقدینگی را در پی داشت با یک تغییر دیگر همراه بود و آن افول طبقه دهقانان و البته فرار روستائیان از روستاها به شهرها بود که به دلیل پرداخت مالیات‌های بیش از حد چاره‌ای جز گریز نداشتند.^{۳۱} به عبارت دیگر با خروج نقدینگی از قلمرو بار تأمین هزینه‌های حکومت بر دوش آن‌ها نهاده شد و به عنوان منبع تأمین درآمد از پای درآمدند. بنابراین آنچه گفته شد رشد تجارت خصوصی و دولتی در دوره سامانیان که در نتیجه وضعیت جغرافیایی فرارود به عنوان مرکز فرمانروایی آن‌ها ایجاد شده بود منجر به خروج نقدینگی از قلمرو آن‌ها و از جهان اسلام شد چرا که به تراز اقتصادی بی‌توجه بودند و این امر منجر به صدور سکه شد. این در حالی بود که با توجه به زوال طبقه دهقانان و اساساً فرار روستائیان که کاهش تولید و بیکاری بیش از حد را در پی داشت منجر به فقر فزاینده روستائیان و فرار آن‌ها به شهرها شد. در واقع جغرافیای قلمرو تحت سلطه سامانیان با شرایط مساعد ایجاد شده توسط حکومت موجب پیشی گرفتن تجارت خارجی به عنوان جزیی مهم و اثرگذار بر ساختار اقتصادی و تراز بازرگانی، از سایر شیوه‌های زیست اقتصاد کشاورزی، زیست دامپروری و زیست تولید صنایع شده بود که با عدم کنترل و مدیریت صحیح توسط حکومت تراز بازرگانی را از مدار طبیعی خارج و همزمان با کاهش توان مالی حکومت، موجب افزایش فشار بر سایر افراد شاغل در بخش‌های پیش گفته اقتصادی برای تأمین هزینه‌های حکومت شد. در واقع تجارت خارجی و به تبع آن کسری تراز بازرگانی، ساختار اقتصادی جامعه را که حاصل عملکرد متقابل شیوه‌های تولیدی بود مختل ساخت.

سرانجام با تضعیف هر چه بیشتر سامانیان و در نهایت سقوط آن‌ها روند صدور سکه کاهش یافت. جایگزین آن‌ها یعنی حکومت غزنوی به اقتضای مرکز قلمرو خود سیاستی متفاوت را در پیش گرفت که در ادامه می‌آید.

غزنویان

پیدایش حکومت غزنوی از نتایج رشد تجارت برده و حضور پر شمار آنان در دولت سامانی بود. با توجه به مجاورت قلمرو غزنوی با هند به عنوان شریک تجاری، تجارت خارجی و تأثیر آن بر تراز بازرگانی دوره غزنوی عمدتاً حول محور روابط با هند است که در ادامه خواهد آمد.

یکی از مهمترین وقایع دوره حکومت غزنوی در اوج آن، حملات به هند و تصرف خزاین و جواهر آنجا بود. علاوه بر آن گرفتن برده از هند از دیگر غنایم غزنویان از حملات به آنجا بود. محمود غزنوی حملات متعددی را به هند رهبری کرد که نتایج چشمگیری برای وی از نظر کسب مشروعیت و البته اقتصادی داشت. نخستین تهاجم محمود غزنوی به هند در سال ۳۹۲ ق غنایم بسیاری از برده و جواهرآلات را در پی داشت.^{۳۲} به گزارش منابع ارزش طلا، نقره و جواهراتی که محمود در حمله سال ۴۱۶ هـ. ق بدست آورد سه میلیون دینار به اضافه بردگان بیشمار بود که به معنای افزایش نقدینگی و پشتوانه مالی حکومت غزنوی بود.^{۳۳} ورود حجم عظیمی از ذخایر طلا و جواهر در ضرب سکه و حفظ عیار مسکوکات تأثیرگذار بود. غزنویان مسکوکات طلا و نقره بسیاری با عیار مناسب وارد مبادلات کردند و شاید به همین دلیل بوده که سکه‌های مسین کمتری در مجموع مسکوکات آن‌ها مشاهده شده است.^{۳۴} در واقع به اعتبار ذخایر عظیم طلا و نقره مسکوکات با عیار بالا ضرب کردند که عامل مهمی برای رشد و رونق اقتصاد در بخش‌های مختلف از

^{۳۱} ر. ن. فرای تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کیمبریج، ج ۴، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، (تهران، امیرکبیر: ۱۳۸۱)، ص ۱۳۴.

^{۳۲} ابوسعید عبدالحی ابن ضحاک بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۳۸۶.

^{۳۳} ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمنی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵)، ص ۳۸۶.

^{۳۴} کلیفورد ادوموند باسورث، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۷۶.

جمله تجارت بود. این امر را می‌توان یکی از عوامل مهم گسترش تجارت در سرزمین‌های تحت سلطه حکومت غزنوی دانست. از سوی دیگر دو کالای مبادلاتی مهم آن روز یعنی برده و نیل به همراه فیل از دیگر مهمترین غنایم حملات به هند بودند که تقاضا برای آنها زیاد بود و صادرات مهم هند را تشکیل می‌دادند. ارزآوری و تاثیر مثبت این مال-التجاره‌های گرانبها برای تراز بازرگانی در ساختاریاقتصاد غزنویان انکارناپذیر است چرا که به عنوان منابع ثروت به شمار می‌رفتند. نیل از جمله کالاهای ارزشمندی بود که سلاطین غزنوی به رسم هدایا به دربار خلافت می‌فرستادند و در واقع بخشی از هزینه‌های حکومت را پوشش می‌داد^{۳۵}.

همچنان که اشاره شد، یکی دیگر از مهمترین نتایج فتوحات سلاطین غزنوی در هند مربوط به واردات برده است. همچون حکومت سامانی که واردات برده از فرارود را تحت نظارت خود گرفته بود حکومت غزنوی نیز در واردات برده از طریق تصرف مناطق هند فعال بود و این بار واردات برده از مرز شرقی و در مقیاس وسیع انجام می‌شد که البته در تفاوت با حکومت سامانی برده‌های وارد شده در ازای پرداخت پول نبودند و از این رو تاثیر اقتصادی دو چندان در اقتصاد و تجارت داشتند. از نظر تجاری ورود تعداد بیشمار بردگان موجب رونق بازار برده غزنه شده بود.^{۳۶} بردگانی که از هند غنیمت گرفته می‌شدند بخشی از صادرات حکومت غزنوی را تشکیل می‌دادند که تجارت برده را رونق بخشید و خود بر تراز بازرگانی موثر بود چرا که جذب ثروت را در پی داشت. از آنجا که «تجارت برده» در طی قرن چهارم ق بخش عمده‌ای از مبادلات بازرگانی (به دلیل وجود تقاضای فراوان نسبت به این مال‌التجاره) را به خود اختصاص داده بود، در این زمان غزنویان به صادرکننده عمده بردگان تبدیل شدند. این درحالی بود که در دوره سامانی، بیشتر این بردگان از سرزمین‌های ترکان و ماوراءالنهر به نقاط دیگر فرستاده می‌شدند. فراوانی بردگان هندی از این گزارش تاریخ یمینی پیداست که می‌نویسد: «چون سلطان از دیار هند مظفر و منصور با اموال موفور و نفایس نامحصور بازگشت، چندان برده بیاورد که نزدیک بود که مشارب و مشارع غزنه بر ایشان تنگ آید و ماکل و مطاعم آن نواحی بدیشان وفا نکند، و از اقصای اقطار اصناف تجار روی به غزنه آوردند.»^{۳۷} به این ترتیب می‌توان گفت صادرات برده بر واردات پیشی گرفته و موازنه بازرگانی برقرار بود.

در نتیجه دستیابی به غنایم فراوان و جریان فعالیت‌های مبادلاتی سرعت یافته، به نظر می‌رسد که راه‌های خشکی منتهی به هندوستان نیز بیشتر از دوره‌های پیش اهمیت یافته‌اند و نقاطی که بر سر این راه‌ها مستقر بودند، از جمله غزنه، کابل، بلخ، قصدار و بس‌ت به پایگاه و پناهگاهی برای بازرگانان سایر نقاط تبدیل شدند. چنانکه به گزارش منابع، در نتیجه حملات به هند «راه قوافل تجار میان دیار خراسان و هندوستان گشاده شد»^{۳۸} که تسهیل و گسترش تجارت خارجی با هند را در پی داشت که خود در تقویت و رشد اقتصادی قلمرو غزنویان موثر بود. به ویژه غزنه که پایتخت غزنویان بود، در این قرن توانست به منبع ثروت‌های هند تبدیل شود که این جریان، به آبادی و رونق آن بیش از پیش کمک نمود و همانند بخارا در عهد سامانیان که به دلیل موقعیت ارتباطی - سیاسی، لقب «مدینه‌التجار (شهر بازرگانان)» را یافته بود، غزنه نیز می‌توانست چنین جایگاهی را کسب کند. بنیامین طلیطله ای سیاح یهودی غزنه را شهر وسیع تجاری و مرکز تجمع بازرگانان کشورهای مختلف با زبانهای معرفی کرده که برای داد و ستد کالاهای خود در آنجا

³⁵ ابو الفضل بیهقی، تاریخ بیهقی، (مشهد: دانشگاه فردوسی، 1383)، ص 353

³⁶ ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345)، ص 286.

³⁷ ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345)، ص 386.

³⁸ ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1345)، ص 286.

گرد هم می آمدند.^{۳۹} علاوه بر آن، اقدام سلطان محمود در سرکوبی طوایف نافرمان در کوهستان‌های میان غزنه تا هند در ادامه نظارت‌های حکومتی با هدف گسترش امنیت در نواحی مختلف بود. بیهقی از به دار آویخته شدن راهزنی به نام علی قهندزی گزارش داده که در راه‌ها به کاروان‌ها حمله می‌کرد.^{۴۰} این گزارش، توجه حکومت را به برقراری امنیت، تنبیه و مجازات افرادی که باعث به هم ریختگی نظم اجتماعی می‌شدند را آشکار می‌سازد. با توجه به این شرایط، گزارشی مبنی بر شرکت بازرگانان در کارهای عام‌المنفعه وجود دارد که مطابق آن در نتیجه سیلی که در غزنه به وجود آمد و در اثر آن پل معروف به «پل بامیان» ویران شده بود، بازرگانی به نام «عبویه» پل جدیدی را ساخت.^{۴۱} این واقعه از وجود زمینه‌های لازم برای کسب و کار بازرگانان و علاوه بر این، از ثروتمندی آنان حکایت دارد. از آنجا که از دیرباز هند یکی از طرف‌های تجاری ممالک ایران به شمار می‌رفت، گسترش راه‌های مواصلاتی در مسیر هند تسهیل هرچه بیشتر تجارت با هند را در پی داشت که بر رونق بازرگانی قلمرو غزنوی موثر بود. از سوی دیگر از آنجا که طرف عمده تجارت خارجی قلمرو غزنوی با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، هند بود که قبلاً ذخایر شمش و طلا آن به همراه بردگان توسط سلطان محمود غزنوی وارد شده بوده، بنا بر این تراز بازرگانی با هند تا حد زیادی مصون از آسیب بود.

علاوه بر تجارت برده که با فتوحات غزنویان در هند رونق یافته بود، بردگان به عنوان نیروی کار ارزان در اقتصاد قلمرو غزنوی می‌توانستند مورد استفاده در بخش‌های مختلف اعم از بخش خانگی به عنوان خدمه، کارگر مزرعه، آوازه خوان و نوازنده در کاخ شاهی و سرانجام نیروی نظامی قرار گیرند. به عبارت دیگر می‌توان گفت بردگان منبع قدرت و قوت بازار کار، ابزار آسایش جامعه و نیروی جنگ و سپاهی‌گری بودند.^{۴۲} بنابراین حکومت غزنوی با تأمین امنیت راه‌ها به ویژه راه‌های منتهی به هند به گسترش تجارت میان هند، خراسان و غزنه کمک کرد. جریان صادرات و واردات میان سرزمین‌های قلمرو غزنویان با مناطق همجوار در شرق شمال شرقی تسهیل شد.

علاوه بر آنچه گفته شد، حکومت غزنوی با وارد کردن حجم عظیمی از ذخایر طلا و جواهرات از هند و افزایش پشتوانه نقدینگی به ضرب مسکوکات با عیار بالا و در نتیجه رشد اقتصاد و تجارت، نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی سرزمین‌های تحت سلطه ایفا نمود. می‌توان گفت علت تداوم رشد خراسان و فرارود علیرغم جنگ و دیگر بلایا در قرن پنجم میزان زیاد نقدینگی بود که توسط غزنویان به اقتصاد این سرزمین‌ها تزریق شده بود.^{۴۳}

در پایان ذکر یک نکته ضروری است و آن اینکه حکومت غزنوی از اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قادر به ادامه انجام کارکرد مورد انتظار از حکومت‌ها مطابق سنت‌های پادشاهی ایرانی-اسلامی یعنی تأمین امنیت در مرزهای شرقی نبود که این امر ناامنی راه‌ها و افت تجارت را در پی داشت. گزارش رنج و ناراحتی مردم خراسان از هجوم و دستبرد ترکمنان در منابع این دوره منعکس شده است.^{۴۴} این وضعیت ادامه داشت به طوری که در سال‌های پایانی فرمانروایی سلطان مسعود نظم امور مختل گردید و نفوذ تدریجی نیروی ترکمنان به خراسان افزوده گشت و در نهایت با خارج شدن از سیطره غزنویان بخش مهم سیاسی و اقتصادی قلمرو از دست رفت و حکومت غزنویان به عقب رانده شد. طی سال‌هایی که درگیری‌های بسیاری میان غزنویان و ترکمنان، در جریان بود، روند فعالیت‌های ارتباطی و تجاری

39. Elkan Nathan Adler, 1930, Jewish travellers, London: G. Routledge, 1930, p. 53

^{۴۰} ابوالفضل محمد بیهقی، تاریخ بیهقی، (تهران: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳)، ص ۲۸۶.

^{۴۱} همان ص ۲۷۸.

^{۴۲} محمد کاظم مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ص ۸۹.

^{۴۳} کلیفورد ادموند باسورث، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ص ۷۶.

^{۴۴} ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۴۱۵.

خراسان کاهش یافت زیرا که منابع طبیعی و صنعتی این بخش در اثر جنگ‌ها و غارت‌های پی در پی، آسیب فراوانی دیده و امنیت و آرامش رخت بر بست. با این وجود خراسان و فرارود توانستند به لطف طلا و جواهرات هند طی قرن پنجم علیرغم یورش‌های ترکمنان، قحطی و مصائب طبیعی دوام آورند.^{۴۵} اگرچه دوام آوردن به معنای سرزندگی و بالندگی نبود. علاوه بر سامانیان و غزنویان در شرق باید از بویه‌یان در مرکز و غرب ایران یاد کرد که مقارن دو حکومت پیش گفته بودند و شرایط و جغرافیای قلمرو زیر سیطره‌شان متفاوت از آن‌ها بود، که در ادامه می‌آید.

آل بویه

در ادامه حکومت‌های حاکم بر ایران باید از آل بویه یاد کرد که علیرغم سلسله‌های پیش گفته همزمان با آن‌ها در قرن چهارم در مرکز، مغرب و جنوب ایران و همچنین عراق فرمانروایی می‌کردند. آل بویه همچون سامانیان حکومتی ایرانی نژاد بودند با این تفاوت که علیرغم آن‌ها اهل تشیع بودند. از سوی دیگر در قلمرو آن‌ها تجارت خشکی و دریایی جریان داشت. نکته دیگر اینکه برخلاف حکومت‌های پیش گفته سامانی و غزنوی، آل بویه از دسترسی به مرزهایی که بتوانند به واردات برده بپردازند محروم بودند. بنابراین با توجه به وضعیت مناطق تحت سلطه آن‌ها در ایران که در غرب، جنوب و مرکز قرار داشتند و همچنین تجارت دریایی خلیج فارس، به ارزیابی عملکرد آنان در تجارت و تراز اقتصادی پرداخته می‌شود. چرا که تجارت دریایی خلیج فارس از عوامل مهم تاثیرگذار بر تراز بازرگانی ساختار اقتصادی در قلمرو آل بویه است.

از تفاوت‌های تأثیر حکومت دیلمان بر تجارت، در انحصاری ساختن برخی کالاها برای دولت است. منسوجات و صنعت پارچه بافی از صنایع رایج نقاط مختلف ایران در دوره مورد بحث است که آل بویه کارخانه‌های دولتی تولید آن را برپا ساختند. این کارخانه‌ها طراز نام داشتند. ایجاد کارخانه‌های دولتی تولید منسوجات ریشه در دوره باستان دارد. در اثر تعالی آمده است که بلاش ساسانی مردم هر ایالت را به تهیه مصنوعات خاص آن منطقه از قبیل «اشیاء ظریفه و البسه» و چیزهای دیگر ملزم ساخت.^{۴۶} محتمل است آل بویه که سعی در تقلید از شاهان ساسانی داشتند در این مورد نیز متأثر از آن‌ها بوده باشند. با توجه به گسترش این صنعت در مناطق مورد فرمانروایی آن‌ها و همچنین خصلت تجاری بودن این مناطق که به راه‌های خشکی و آبی متصل بودند و بارانداز تاجران مسیر ابریشم و دیگر راه‌ها به سمت شرق و جنوب به شمار می‌رفتند، اهمیت تقویت این صنعت بومی با توجه به بازارهای مصرف موجود در داخل و خارج از مرزهای ایران روشن می‌شود، چرا که ضمن حمایت از تولید بومی موجب ایجاد اشتغال و تقویت بنیه اقتصادی می‌شد. زیست تولید صنایع دستی و تولیدات کارگاهی از شیوه‌های معیشتی رایج در ساختار اقتصادی قلمرو آل بویه در دوره مورد بحث است که با مدیریت و بهسازی توسط حاکمان بویهی به عنوان ظرفیت مهم تولیدی رشد قابل توجهی پیدا کرد. بر این اساس ارزش صادرات کالاهای تولیدی صنایع کارگاهی که با افزایش مازاد تولید همراه بود، بر تراز بازرگانی موثر بوده و رونق اقتصادی را با افزایش تجارت خارجی این کالاها در پی داشت. ناگفته نماند تقویت و رشد کارگاه‌های تولیدی به معنی جدایی و استقلال شیوه تولید صنایع کارگاهی از کشاورزی و دامداری به عنوان دیگر ارکان ساختار اقتصادی نبوده بلکه با توجه به اینکه مواد اولیه تولیدات کارگاه‌ها و صنایع را فراورده‌های دامی و

^{۴۵} ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمنی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۵)، ص ۳۱۴.

^{۴۶} ابومنصور محمد بن عبدالملک تعالی، شاهنامه تعالی، ترجمه محمود هدایت، (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۲۸۰.

کشاورزی تشکیل می دادند، این سه شیوه تولیدی در مجموع به هم وابسته بودند.^{۴۷} نظر به اینکه منسوجات مهمترین صنعت دوره مورد بحث است و مواد اولیه آن شامل پشم(فرآورده دامی)، پنبه، ابریشم، رنگ(فرآورده کشاورزی همچون نیل) بودند، ارتباط و وابستگی شیوه های تولیدی در مجموع نظام اقتصادی را می توان دریافت.

عضدالدوله دیلمی (۳۳۸ - ۳۷۲ ق) به عنوان بزرگترین امیر بویهی اقدامات چندی در حمایت و تقویت تجارت منسوجات انجام داد و از این راه عایدات قابل توجهی کسب می کرد که به معنی افزایش توان اقتصادی حکومت و قلمرو بود چرا که دارای بازار مصرف در داخل و خارج قلمرو بود. وی در سال ۳۷۲ه. ق تجارتخانه های خاصی برای تولید نخ، ابریشم و صنعت منسوجات ایجاد کرد و این کالاها را در انحصار دولت درآورد و همچنین از مالیات بر کالاهای تجاری سود برد.^{۴۸} عضدالدوله محله های ویژه ای را احداث نمود که تسهیل کننده فعالیت های مبادلاتی و صنعتی به شمار می آمدند. یکی از این محله ها، محله «کرد فناخسرو(فنا خسروگرد)» در نیم فرسخی جنوب شیراز بود. در این شهر که برای سپاهیان ساخته شده بود و به سوق الامیر معروف بود، بخش هایی ویژه در آن برای پشم بافان، خزدوزان، پیشهوران و تاجران در نظر گرفته شد. نام عضدالدوله را بر منسوجات تولید شده در کارگاه های این شهر می نوشتند.^{۴۹}، این اقدام، گام مؤثری برای رشد صنایع و تحت انحصار درآوردن آنها توسط حکومت و به ویژه کسب منافع بسیار در زمینه بهره برداری از تولیدات آنها در دادوستدهای داخلی و خارجی بود.

توجه بیش از پیش به ایجاد کارگاه ها و صنایع سبب شده بود که در هر کدام از نواحی ایالت فارس، صنایع ویژه ای به خصوص صنعت پارچه بافی رشد یابد که با توجه به اینکه کالای مصرفی بود از بازار فروش خوبی در داخل و خارج مرزهای قلمرو آل بویه برخوردار بود و یکی از کالاهای عمده صادراتی بود. یکی از این شهرها، «کازرون» بود که مقدسی آن را دمیاط عجمان نامیده است.^{۵۱} رشد صنعت پارچه بافی کازرون موجب شد تا عضدالدوله در کازرون بازاری برای فروش پارچه بنیان نهد و پیشه وران مربوط به آن حرفه را در آن جا گردآورد که این امر منابع درآمد سرشاری برای حاکمان آل بویه به دنبال داشت، چنانکه گزارش شده روزی ده هزار درهم عاید ایشان می گشت.^{۵۲}،^{۵۳}،^{۵۴} توجه به ایجاد مراکز مناسب برای صنایع خاص در شهرهای مختلف ایالت فارس، قریب به اکثر شهرهای آن را به مراکز تولید انواع پارچه (با تفاوت جنس و رنگ های متنوع) نموده است. شهرهای دیگر این ایالت یعنی «فسا (پسا)» و «چهرم» نیز مراکز تولید انواع متنوعی از پارچه ها و جامه ها بودند و با حمایت سلطان یا به قولی امیران بویهی کارگاه های ویژه برای تولید و صدور این کالاها در این مناطق بر پا شده بودند. در فسا پارچه های پشمی(سوسن جردی) و ابریشمی (القری) خاصی با نقش و نگار و زربفت های متنوع، انواع پرده ها، پارچه هایی برای رختخواب، فرش های عالی

47 ناصر صدقی، تحلیلی بر مناسبات نظام های اقتصادی و شیوه های تولیدی در تاریخ ایران با تأکید بر عصر سلجوقی، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ ایران و اسلام الزهراء، ۲۷، دوره جدید، ۲۵، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۴۰

48 صباح ابراهیم سعید شیخلی، پیپ اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالمزاده، (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۴.

49 ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، (تهران: کوش، ۱۳۶۱)، ص ۶۴۲.

50 ابن بلخی، فارس نامه، به اهتمام گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱۳۳.

51 ابوعبدالله محمد بن احمد، مقدسی، ص ۶۴۲.

52 ابواسحاق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۱۳۴.

53 ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، ص ۶۴۲.

54 علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضدالدوله، (تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۴۷)، ص ۱۵۱.

و سفره‌های مخصوص سلاطین که نشانه‌های خاصی بر آن‌ها می‌زدند و از نظر ارزش و قیمت بسیار گران‌بها بوده‌اند، تهیه می‌شد و فرمانروایان و دربار خلافت، متقاضی ویژه و اصلی این کالاها بودند.^{۵۵، ۵۶، ۵۷}

دیگر ایالت تولیدکننده منسوجات مورد حمایت بویه‌یان، خوزستان بود که با صادرات محصولات نساجی خود در تقویت و افزایش بنیه اقتصادی آل بویه موثر بود. خوزستان از دوران پیش از اسلام در تولید پارچه‌های دینا شهرت داشت. کیفیت کارخانه‌های تولید پارچه خوزستان موجب شده بود تا چند شهر این ایالت از جمله قرقوب، سوس، شوشتر مراکز طراز سلطان بویه‌ی باشند و پوشش کعبه که معزالدوله دیلمی بدانجا فرستاد از تولیدات خوزستان بود.^{۵۸} دیگر شهرهای خوزستان نیز از جمله شوش، شوشتر، رامهرمز، عسکر مکرّم، بصّنا (یکی از بخش‌های شوش)، جندی شاپور از جهت تولید پارچه‌ها و کارگاه‌های موجود در آن‌ها مشهور بودند. در «عسکر مکرّم» مقنعه‌های ابریشمی، پوشاک و پارچه و دستمال‌های خاصی تولید می‌شد.^{۵۹} پارچه‌های تولید شده در خوزستان به نقاط مختلف دنیا صادر می‌شدند و یکی از اقلام پرسود و باارزش صادراتی آن را تشکیل می‌دادند که خود در افزایش توان اقتصادی قلمرو بویه‌یان بسیار مؤثر بود که می‌توان گفت جنبه ارزآوری داشت.

تأثیر سیاست اقتصادی آل بویه در تقویت صنعت منسوجات منجر به رشد تجارت پارچه و در نتیجه افزایش موقعیت تاجران پارچه شده بود در حالیکه در دو حکومت سامانی و غزنوی تاجران برده از موقعیت برتری برخوردار بودند. از سوی دیگر پارچه فروشان (بزازان) جایگاه بالایی از نظر ثروت، در میان دیگر طبقات داشتند زیرا شرایط رشد ایشان در آن زمان به دلیل تقاضای فراوان برای این کالاها مهیا گردیده و از حمایت حکومت مرکزی نیز برخوردار بودند. بنابراین حمایت بویه‌یان از صنعت منسوجات موجبات رشد و رونق تجارت و تاجران این حوزه شد. ضمن آنکه این امر حکایت از جامعه‌ای مرفه و گرایش حاکمان آن به کالاهای تجملی دارد. اقداماتی که امیران بویه‌ی به ویژه عضدالدوله در بخش‌های تحت فرمانروایی خویش به انجام می‌رساندند، باعث رشد بیش از پیش صنایع و رونق دوباره بازارها و کارگاه‌ها (به مانند دوره‌های پیش از اسلام) شده و بی‌تأثیر از نزدیکی به دیگر مراکز فرمانروایی آل بویه نبود چراکه خاندان بویه‌ی بر مناطق مختلف عراق، مرکز، غرب و جنوب ایران مسلط بودند. بویه‌یان با توجه به ظرفیت مناطق تحت سلطه خود هوشمندانه به تقویت نقاط قوت آن‌ها در زمینه تولید پرداختند که نتیجه‌اش رونق صنایع بومی در سرزمین‌های تحت حکومت آن‌ها و در نتیجه افزایش اشتغال و صادرات بود که تأثیر مثبتی بر تراز بازرگانی داشت.

اما در زمینه امنیت که بستر اقتصاد به ویژه تجارت و فعالیت‌های تجارتهی است نیز حاکمان بویه‌ی اقداماتی انجام دادند که در ادامه می‌آید. در این زمان، مهمترین اقدامی که در کرمان برای ایجاد فضای مناسب و آرام، تسهیل ارتباطات و انجام معاملات اعمال شد، سرکوب اقوامی به نام بلوچ و قُص (کوفج) در کوه‌هایی به همین نام یعنی قفص است. کوه‌های قفص از جنوب به خلیج فارس، از شمال به حدود جیرفت و از مشرق به بیابانی به نام مکران و از سوی مغرب به حدود مَنوقان و هرمز منتهی می‌شد. این اقوام، در حوالی این کوه‌ها و بیابان مکران که در میان خراسان، سیستان، کرمان و فارس قرار داشت، مسکن داشتند و همواره دست به چپاول و راهزنی می‌زدند. عضدالدوله برای برقراری امنیت

^{۵۵} ابو اسحاق ابراهیم صطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰)، ص ۱۳۴

^{۵۶} ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۶)، ص ۶۶.

^{۵۷} ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، (تهران: کومش، ۱۳۶۱)، ص ۶۵۸.

^{۵۸} ابو اسحاق ابراهیم صطخری، ص ۹۲.

^{۵۹} ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، ص ۶۱۳.

در مرزهای ورای کرمان و راههایی که از کرمان شروع می‌شد و به سیستان، خراسان و فارس می‌رسیدند، نیروهای برای مقابله با ایشان به کار گرفت. ۶۰، ۶۱، ۶۲ بدین ترتیب امنیت برقرار شد تا فعالیت‌های تجاری به خوبی انجام شود و کاروان‌های تجاری و مسافری با آرامش خیال در این مسیرها جا به جا شوند. علاوه بر این، برای آسایش بیشتر کاروان‌ها در مسیر راه‌ها به ویژه در بین این راه‌های بیابانی علائم و گنبد‌های کوچک سنگی نصب شد تا مسافر دریابد که چه مسافتی را پیموده یا آنکه در مواقع طوفانی، راه را گم نکند و همچنین منازل و آب‌انبارهایی برای تأمین آب و آسایش مسافران و چارپایان ایشان نیز به کار گرفته شد. ۶۳

بهاءالدوله (۳۸۸-۴۰۳ق) دیگر حاکم بویه در راه‌های بغداد تا خراسان، نگهبانان راه (حمایه الطریق) گماشت. ۶۴ این گونه اقدامات از توجه بیش از پیش حاکمان به انجام این فعالیت‌ها حکایت دارد که به تسریع و تسهیل هر چه بیشتر مبادلات تجاری در راه‌های خشکی نسبت به دوره‌های پیشین منجر شد که تقویت وضعیت اقتصادی را در پی داشت.

نکته دیگر مربوط به یکی از عوامل مهم ورود نقدینگی به شکل سکه در دوره حکومت آل بویه و تراز بازرگانی است. به این ترتیب که قرن چهارم و دوره حکومت آل بویه اوج رونق تجاری بندر سیراف است که محل گردآمدن تاجران از نقاط مختلف بود و رونق تجارت خارجی را نشان می‌دهد. حفاری‌های انجام شده در سیراف طیفی از سکه‌های اسپانیایی، هندی و چینی را شامل می‌شود که شکوه و رونق سیراف را در قرن چهارم در دوره آل بویه اثبات می‌کند. از سوی دیگر با توجه به مسکوکات کشف شده خارجی از حفاری‌های سیراف، انجام دادوستد در شهر با سکه‌های خارجی نیز رایج بوده است. ناگفته نماند که تعداد سکه‌های چینی یافت شده بیش از سایرین بوده است. ۶۵ به زبان امروز می‌توان گفت مسکوکات یافت شده از کشورهای مختلف در سیراف بیانگر ارزآوری این بندر بوده است که در تراز بازرگانی بسیار مهم است و یکی از عوامل مهم رونق اقتصادی و تراز بازرگانی مثبت به شمار می‌رود. در واقع بندر سیراف و شهر شیراز مرکز ایالت بیشتر از همه از بازگشت نیروی اقتصادی و سیاسی بدست شاهان ایرانی دلمی تبار استفاده برد. ۶۶ سیراف بخش مهمی از مالیات فارس را تأمین می‌کرد که بیانگر ثروت قابل ملاحظه آن بود. به نوشته ابن بلخی در زمان عضدالدوله فارس، کرمان و عمان در اوج رونق اقتصادی بودند. ۶۷ تاجران یهودی در سیراف با اقبانوس هند و مدیترانه تجارت فعالی داشتند و بنا به گزارش بنیامین طلیله‌ای ۵۰۰ یهودی در سیراف اقامت داشتند. ۶۸ در بیان اهمیت نقش سیراف در ارزآوری و تراز بازرگانی مثبت، می‌توان به امار و ارقام مربوط به آن اشاره کرد. به گزارش منابع درآمد عضدالدوله از فارس و گمرکات سیراف و مهربوبان دو میلیون و صد و پنجاه هزار دینار از مجموع کل درآمد یعنی سه میلیون و چهل و شش هزار دینار بود. ۶۹ «اصطخری» در بیان انباشت سرمایه در سیراف از بازرگانانی یاد

۶۰ مفیزالله کبیر، ماهیگیران تاجدار، ترجمه مهدی افشار، (تهران: زرین، ۱۳۶۲)، ص ۷۹-۶۹.

۶۱ علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضدالدوله، (تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۴۷)، ص ۷۴.

۶۲ برتولد اشیولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹)، ص ۲۶۴.

۶۳ ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش، محمد دبیر سیاقی، (تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۸.

۶۴ علی اصغر فقیهی، ص ۷۷.

65 Hamidreza Pashazanous, Majid Montazer Zohouri, Sea Trade between Iran and China in the Persian Gulf based on the Excavations of of Sīrāf City, Indian Journal of Economics and Development, Vol 2(2), (February 2014), p11.

66 Thomas M Ricks, PERSIAN GULF seafaring and east Africa ninth-twelfth centuries, African Historical Studies, Vol. 3, No. 2 (1970), pp. 339-357.

67 ابن بلخی، فارس‌نامه، به اهتمام گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص 172

68 Elkan Nathan Adler, 1930, Jewish travellers, (London : G. Routle, 1930), p60.

69 ابن بلخی، فارس‌نامه، به اهتمام گای لسترنج و رینولد الن نیکلسون، (تهران: دنیای کتاب، 1363)، ص 172

می‌کند که سرمایه آنها میلیون‌ها درهم بود.^{۷۰} امنیت ایجاد شده در سیراف توسط آل بویه موجب جذب تاجران بصره شد که به دلیل ناامنی بصره در نتیجه شورش زنگیان، سرمایه خود را به سیراف منتقل کرده و در آنجا فعالیت اقتصادی خود را ادامه دادند.^{۷۱} به این ترتیب امنیت حمایتی آل بویه در جذب ثروت و افزایش توان اقتصادی قلمرو و در نتیجه تراز اقتصادی مثبت قابل توجه است.

سیراف به دلیل نقش ترانزیتی که برای صادرات کالاهای مختلف به مناطق دور و نزدیک هند، چین و افریقا داشت، دارای نقش ارزآوری بود. به این ترتیب که شهرهای پس کرانه ای ثروتمند همچون فیروزآباد، فسا، دارابجرد، کازرون و شیراز که دارای تولیدات گوناگونی بودند کالاهای مختلف دامی، کشاورزی و کالاهای ساخته شده همچون منسوجات خود را از طریق سیراف صادر می‌کردند. علاوه بر آن، مناطق کرمان، اصفهان و خراسان نیز بخشی از صادرات خود را از طریق سیراف انجام می‌دادند.^{۷۲} رونق تجارت دریایی بندر سیراف موجب رشد و رونق صادرات محصولات و کالاهای تولید شده نه تنها در قلمرو بویهیان که خارج از مرزهای آن را نیز شد چراکه محل ورود و بارگیری کشتیهای بسیار از نقاط مختلف دنیا به آنجا بود و نشان از بین‌المللی بودن تجارت این منطقه داشت. صادرات کالاها از سیراف به نقاط دوردست افزایش ثروت مردم و حکومت را در پی داشت که خود متأثر از تراز بازرگانی مثبت بود و سکه‌های فراوان کشف شده از حفاری‌های سیراف که متعلق به سرزمین‌های مختلف دنیا از جمله چین، اسپانیا و افریقا هستند تأییدی بر این امر است.^{۷۳} چرا که مسکوکات به عنوان ارز مورد مبادله و پشتوانه اقتصاد به شمار می‌روند و جذب مسکوکات از طریق سیراف نشان از سیاست‌گذاری موثر در راستای حفظ نقدینگی و تراز مثبت بازرگانی است.

می‌توان تجارت دریایی را مهمترین منبع ثروت آل بویه دانست که با نیاز سنجی و هدف‌گذاری صحیح آنها هدایت شد. نتیجه این امر افزایش صادرات از مسیرهای دریایی در این دوره است که نقش مهمی در تراز بازرگانی داشت و سیراف مهمترین آنها بود. با توجه به قلمرو تحت حکومت آل بویه که مرکز تولید انواع محصولات کشاورزی (زعفران، گور، شکر خوزستان)، کالاهای ساخته شده همچون پارچه‌های مختلف برای مقاصد گوناگون، فرآورده‌های دیگری از قبیل عرقیات (بیدمشک گور)، عطریات (بیشابور)، ادویه جات (زیره جیرفت) و دیگر محصولات بود، وجود بندر پررونق سیراف نقش مهمی برای صادرات این محصولات بود که در ایجاد تراز بازرگانی مثبت موثر بود.

تغییر خلافت به بغداد، رونق اقتصادی فزاینده عراق و جهان اسلام و ثبات سیاسی بیشتر عصر عباسی امنیت هرچه بیشتری برای مسیرهای تجاری خشکی و دریایی تاجران ایرانی و عرب فراهم کرد. خلیج فارس که در نزدیکی امپراتوری عباسی قرار گرفته بود نزدیکترین ذینفع امنیت و رونق فراهم شده بود که نتیجه آن شروع یک عصر طلایی برای تاجران خلیج فارس بود.^{۷۴} تجارت و راه‌ها از جمله منابع ثروت حاکمان در دوره مورد بحث به شمار می‌روند و از این رو در پی تسلط و نظم و نسق به امور آن‌ها بودند. عضدالدوله دیلمی حتی سعی نمود بر خرید و فروش چارپایان، آسیابها، کالاهای صادراتی و وارداتی عوارضی بسته شود و مبالغی از فعالیت‌های یخچال‌داری و تولید نخ و منسوجات

^{۷۰} ابواسحق ابراهیم اصطخری، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۰)، ص ۱۳۴

^{۷۱} داوود یحیایی، بازرگانی دریایی سیراف در سده‌های نخستین اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۷، (بهار و تابستان ۸۷)، ص ۹۴
72 همان،

63 Hamidreza Pashazanous, Majid Montazer Zohouri, Sea Trade between Iran and China in the Persian Gulf based on the Excavations of Sirāf City, Indian Journal of Economics and Development, Vol 2(2), (February) 2014, p11

⁷⁴ Thomas M Ricks, Persian Gulf seafaring and east Africa ninth-twelfth centuries, African Historical Studies, Vol 3, No. 2 (1970), pp 344.

ابریشمی را به خود اختصاص دهد، در صورتی که قبل از آن، تمام افرادی که خواهان وارد شدن به این حوزه معاملات بودند، اجازه تهیه و خرید و فروش این محصول با ارزش را داشته‌اند.^{۷۵، ۷۶}

در پایان باید از تأثیر اختلافات سیاسی و نابسامانی اوضاع در اواخر کار دیلمیان بر تجارت کلی نواحی مختلف تحت سلطه ایشان سخن به میان آورد. رقابت‌های سیاسی بعد از مرگ عضدالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ ق) از سر گرفته شد. در طی این سال‌ها به ویژه در سال ۳۶۳ ق طی درگیری که در محله کرخ بغداد پیش آمد به اموال مردم و بازرگانان دست درازی شد.^{۷۷} تضعیف امیران بویهی موجب سربرآوردن گردنکشان شد و از جمله این حکام اقوام شبانکاره و گرد در فارس بودند که موجبات ناامنی این ایالت را فراهم کردند.^{۷۸} بروز ناامنی و هرج و مرج که در نبود حکومت مرکزی مقتدر ایجاد شده بود از موانع رشد و رونق تجارت در فارس پس از حاکمیت آل بویه بود که تأثیرات منفی آن بر تجارت خلیج فارس نیز پس از بویه‌یان نمودار شد. سقوط تجارت در راه‌های منتهی به سیراف از مهمترین تأثیرات زوال قدرت بویه‌یان و ناامنی حاصل از آن بود که ایالت فارس را مشوش ساخته بود و افول سیراف به عنوان بندر مهم خلیج فارس در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ق را رقم زد که خود رکود اقتصادی فارس و سیراف را منجر شد. به عبارت دیگر با پایان یافتن امنیت حمایتی آل بویه، دوره رشد و رونق اقتصادی ایالت فارس و به ویژه بندر مهم آن، سیراف، نیز به سر رسید از سوی دیگر این امر نشانگر کارکرد مهم حکومتها در ایجاد بستر مناسب و تامین امنیت حمایتی برای رشد و رونق فعالیت‌های اقتصادی و به ویژه تجارت است.

نتیجه‌گیری

از قرن سوم تا اواخر پنجم ق دوره حکومت‌های متقارن سامانی و غزنوی در شرق و آل بویه در غرب، مرکز و جنوب ایران است که با توجه به موقعیت جغرافیایی قلمرو خود بر تجارت به عنوان یکی از مهمترین ارکان اقتصادی تأثیرات دیرپایی نهادند. سیاست‌های اقتصادی این حکومت‌ها در مورد تجارت که متناسب با جغرافیای مناطق تحت سلطه بود، نتایج خاصی بر وضعیت اقتصادی و به ویژه تراز بازرگانی داشت. سامانیان تجارت واردات برده را تقویت کردند درحالیکه آل بویه به تقویت صنعت منسوجات که بومی ایران بود، به عنوان اقلام مهم تجارتي پرداختند. در مقابل، غزنویان با وارد کردن بردگان از هند به عنوان غنایم جنگی، نیروی انسانی رایگان به اقتصاد تزریق کردند. به عبارت دیگر در مقابل رونق تجارت و تاجران برده در قلمرو سامانیان و غزنویان، تجارت پارچه و بازرگانان این حوزه قرار داشتند. از سوی دیگر هر سه حکومت اقدامات مشابهی که بیانگر کارکرد سنتی حکومت‌ها در الگوی ایرانی-اسلامی مملکتداری است انجام دادند که در تقویت تجارت خارجی و اقتصاد بازرگانی مؤثر واقع شدند. عمده ترین این اقدامات عبارتند از: ایجاد امنیت در مرزهای قلمرو تحت سلطه، ضرب سکه با عیار بالا و حفظ عیار آن، حفظ امنیت راه‌ها با سرکوب راهزنی و ایجاد تسهیلات تردد و مسافرت در راه‌ها با احداث کاروانسرا، رباط، پل، چاه آب، نصب علائم راهنمایی در راه‌های بیابانی که ابداع میل در این راستا بود، برای اینکه کاروانیان و مسافران در طوفان شن راه را گم نکنند. با شروع ضعف و زوال حکومت‌ها که با جنگ و ناامنی همراه بود تجارت و فعالیت‌های اقتصادی دچار رکود می‌شدند و این امر برای هر سه حکومت صادق است. سامانیان که در شرق و شمال شرقی ایران حکومت می‌کردند

⁷⁵ مفیزالله کبیر، ماهیگیران تاجدار، ترجمه مهدی افشار، (تهران: زرین 1362)، ص ۲۵۶.

⁷⁶ علی اصغر فقیهی، شاهنشاهی عضدالدوله، (تهران: مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۴۷)، ص ۴۲۶.

⁷⁷ ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم و تعاقب الایم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۶ (تهران: توس، ۱۳۷۶)، ص ۳۹۶.

⁷⁸ ابن بلخی، فارس‌نامه، به اهتمام گای لسترینج و رینولد الن نیکلسون، (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۱۶۴.

متأثر از قلمرو مرکزی خود یعنی فرارود که از قدیم جامعه‌ای دادوستدی با وجود سغدیان بود و تجارت درخشانی با آسیای مرکزی تا چین را مدیریت می‌کردند، در رونق بازرگانی آن به ویژه تجارت خارجی مؤثر واقع شدند. گسترش و رونق تجارت خارجی با چین، آسیای میانه و اروپای شرقی در این دوره بود و سکه‌های سامانی یافت شده در اسکاندیناوی نمایانگر گسترش این روابط است که در مسیر خز جریان داشت. واردات برده و سایر اقلام تجاری همچون خز از طریق مسیر خز در مبادله با وایکینگ‌ها و همچنین آسیای مرکزی روند حاکم بر تجارت خارجی دوره سامانی است و حجم بسیار زیاد سکه‌های نقره سامانی یافت شده در اروپای شمالی و شرقی نمایانگر خروج چنان حجم عظیمی از نقدینگی از قلمرو سامانیان است که به پشتوانه منابع طلا و نقره فرارود برای تجارت با اروپای شمالی و شرقی در قرن چهارم ضرب می‌شدند و افت بسیار زیاد توان اقتصادی سامانی را در پایان قرن در پی داشت که خود نتیجه تراز بازرگانی منفی و خروج ارزی بود. مسکوکات خارج شده از قلمرو سامانیان وارد چرخه اقتصادی اروپای شمالی و شرقی (به ویژه قلمرو روسها) شدند. حکومت سامانی و دیگر حکام جهان اسلام از تراز بازرگانی غافل بودند که نتیجه آن در قرون بعد آشکار شد. درحالی‌که سامانیان در قبال واردات برده و سایر کالاها موجب از دست رفتن حجم عظیمی از نقدینگی شدند، غزنویان با وارد کردن بردگان به عنوان غنایم جنگی بنیه اقتصادی قلمرو تحت سلطه را تقویت کردند. غزنویان که بر شرق ایران حاکم بودند با گسترش به سوی هند ذخایر عظیمی از طلا و جواهرات را به همراه بردگان به عنوان غنایم غزوات وارد کردند که این حجم بسیار نقدینگی بر تجارت و اقتصاد تأثیرات مثبت و ماندگاری داشت. در واقع می‌توان گفت ارزآوری مهمترین نتیجه این اقدامات بود. ضرب سکه طلا با عیار بالا به همراه نیروی کار ارزان بردگان موجب تقویت بنیه اقتصادی سرزمین‌های شرقی ایران شد که با وجود جنگ و مصائب طبیعی در قرن پنجم مانع از رکود و زوال اقتصادی آن‌ها شد. از سوی دیگر آل بویه که بر مرکز و مغرب ایران حاکم بودند راه متفاوتی در تجارت پیش گرفتند که حمایت از صنعت بومی منسوجات با ایجاد کارگاه‌های طراز در مناطق مختلف بود که افزایش کیفیت این صنعت به همراه رشد آن را در پی داشت. این امر موجب ایجاد اشتغال و تقویت بنیه اقتصادی نیز می‌شد. ارزش و کیفیت بالای پارچه ایرانی تا بدان حد رسیده بود که معزالدوله دیلمی پارچه تولید شده از طراز خوزستان را برای پوشاندن کعبه فرستاد که شاید بتوان گفت جنبه تبلیغی و بازاریابی نیز داشت. در واقع آل بویه در قیاس با دو حکومت پیش گفته متناسب با ظرفیت های اقتصادی و تجاری مناطق تحت سلطه (در خشکی و دریا) در سیاست اقتصادی خود دست به ابتکار عمل زدند که تقویت صنعت بومی و ایجاد بازار فروش و در نتیجه ارزآوری و افزایش نقدینگی از طریق تجارت کالاهای تولید شده داخلی را منجر شد. مسکوکات یافت شده از ملل مختلف در سیراف شاهدی بر این امر است.

کتابنامه

- ۱- ایزدی، حسین؛ حسینی، سید محمد. «بخارا و نقش سامانیان در شکوفایی آن». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، س ۱۶، ش ۲، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- ۲- ابن بلخی، فارس‌نامه، به اهتمام گای لسترنج و رینولد ال نیکلسون، چ ۲، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۳- ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه دکتر جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۶.
- ۴- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۵- اصطخری، ابو اسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
- ۶- بارتولد، و، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی، تهران: توس، ۱۳۶۷.
- ۷- باسورث، کیلفورد ادموند، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- ۸- بیهقی، ابو الفضل محمد تاریخ بیهقی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۳.
- ۹- پرگاری، صالح. «پاره‌ای از عوامل تکوین ساختار اقتدار در حکومت سامانیان». پژوهشنامه علوم انسانی. س -، ش ۳۲، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹-۱۴۳.
- ۱۰- پرگاری، صالح. «فروپاشی ساختاری قدرت غزنویان». علوم انسانی الزهراء، س ۱۳، ش ۴۶-۴۷، ۱۳۸۲، ص ۴۳-۶۶.
- ۱۱- ثعالی، ابومنصور محمد بن عبدالملک، شاهنامه ثعالی، ترجمه محمود هدایت، اساطیر، ۱۳۸۴.
- ۱۲- جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن ظفر. ترجمه تاریخ یمینی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۱۳- خدادادی، عزت اله. «تحلیل جامعه‌شناختی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دینی دوره سامانیان». س ۱۳، ش ۲، اسفند ۱۳۹۷، ۱۶۳-۱۹۴.
- ۱۴- ساندرز، ج، ج، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه: ابوقاسم حالت، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۲.
- ۱۵- شیخلی، صباح ابراهیم سعید، اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۱۶- صدقی، ناصر، «تحلیلی بر مناسبات نظام‌های اقتصادی و شیوه‌های تولیدی در تاریخ ایران باتأکید بر عصر سلجوقی»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ ایران و اسلام الزهراء، س ۲۷، دوره جدید، ش ۳۵، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۴۰.

- ۱۷- فرای، ر. ن، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (کمبریج)، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۱.
- ۱۸- فرای، رن، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۱۹- فقیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضدالدوله، تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان. ۱۳۴۷.
- ۲۰- کبیر، مفیزالله. ماهیگیران تاجدار. ترجمه مهدی افشار، تهران: زرین. ۱۳۶۲.
- ۲۱- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک ابن محمود. تاریخ گردیزی. به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب. ۱۳۶۳.
- ۲۲- گروسه، رنه امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین مکیده، تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۶۵.
- ۲۳- مظاهری، علی. زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، تهران: مرکز نشر سپهر. ۱۳۴۸.
- ۲۴- مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب الامم و تعاقب الایم، ج ۵، ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس. ۱۳۷۶.
- ۲۵- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی. تهران: اکومش، ۱۳۶۱.
- ۲۶- مکی، محمد کاظم. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران: سمت. ۱۳۸۳.
- ۲۷- نوع پسند اصیل، سید محمد؛ عیسوی، هیرو. «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۲، ش ۲، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۲۵.
- ۲۸- ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش، محمد دبیر سیاقی، چ ۲، تهران: کتابفروشی زوار. ۱۳۳۵.
- ۲۹- نرشخی، محمد بن جعفر. تاریخ بخارا. ترجمه: محمد بن جعفر. مصحح: مدرس رضوی، محمد تقی. توس. چاپ ۲. ۱۳۳۵.
- ۳۰- یحیایی، داوود، «بازرگانی دریایی سیراف در سده‌های نخستین اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، س ۴، ش ۷، بهار و تابستان ۸۷، ص ۹۴.
- ۳۱- وثوقی مطلق، رجبعلی. «وابط آل بویه و مصر». پژوهش‌نامه تاریخ. س ۳، ش ۸، مهر ۱۳۸۶، ص ۱۴۶-۱۸۰.
- 32- Elkan Nathan, Adle, Jewish travellers, London: G. Routledge. 1930.
- 33- Kovalev, Roman,. Dirham mint output of Samanid Samarqand and its connection to the beginnings of trade with northern Europe (10th century), Histoire & mesure XVII - 3/4 | 2002 Monnaie et espace. 2002.
- 34- Michailidis, Melanie,. Samanid silver and trade along the fur route, Medieval Encounters 18 (2012) 315-338. 2012.
- 35- Pashazanous. , Hamidreza Majid Montazer Zohouri. Sea Trade between Iran and China in the Persian Gulf based on the Excavations of of Sīrāf City, Indian Journal of Economics and Development, Vol 2(2), 6-13, February 2014.
- 36- Ricks, Thomas M. PERSIAN GULF seafaring and east Africa ninth-twelfth centuries, African Historical Studies, Vol. 3, No. 2 (1970), pp. 339-357. 1970.

37-Xinjiang, Rong. sogdian merchants and sogdian culture on the silk road
merchants-and-sogdian-culture-on-the-silk-road
<https://www.cambridge.org/core/terms>. 2018.

سنگھاپاڻي ۽ جاڻو